



مركز جهاني علوم اسلامي

مدرسه عالي فقه و معارف اسلامي

پايان نامه کارشناسي ارشد

رشته فقه و معارف اسلامي

عنوان:

پروسی مسأله پداه از دیدگاه عقل و نقل

استاد رهنما:

حجة الاسلام والمسلمین آقای ابوالحسن غفاری

استاد مشاور:

حجة الاسلام والمسلمین آقای محمد کریمی

دانش پڑوه:

سید سرور هاشمی

سال ۱۳۸۴

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی
شماره ثبت: ۴۹۴
تاریخ ثبت:

□ مسئولیت مطالب مندرج در این پایان نامه ، به عهده نویسنده می باشد.

□ هرگونه استفاده از این پایان نامه با ذکر منبع ، بلاشکال است و نشر آن

در داخل کشور منوط به اخذ مجوز از مرکز جهانی علوم اسلامی است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اهداء:

- * به تمام تشنگانی که می‌خواهند از سرچشمه زلال و پاک معارف قرآن و عترت سیراب شوند.
- * به همه جویندگانی که می‌خواهند حقیقت را دور از تعصب و غرض‌ورزی‌ها به دست آورند.
- * و به کلیه پژوهشگرانی که طالب احقاق حق هستند و عاشقند که معارف اسلامی را از راه قرآن و عترت کسب نموده و به جامعه بشری ارائه دهند.

تقدیر و تشکر

در اینجا لازم است از باب «من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق» نخست از ریاست محترم مرکز جهانی علوم اسلامی جناب حجت الاسلام و المسئین حاج آقای دکتر اعرافی و همکارانشان در امور پایان نامه، که زمینه شکوفائی استعدادها و بالندگی افکار طلاب حوزه‌های علمیه را فراهم نموده‌اند، تشکر و قدردانی شود.

سپس از اساتید محترم و ارجمند جناب حجت الاسلام و المسئین حاج آقای ابوالحسن غفاری استاد راهنما و جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد کریمی استاد مشاور که با جدیت و دلسوزی تمام در همه‌ی مراحل تدوین این رساله همکاری نموده و راهنمایی‌های لازم را در هر زمینه ارائه فرمودند، کمال سپاسگذاری گردد و خدای متعال توفیق مزید و طول عمر برای ایشان عنایت فرماید.

چکیده:

- این رساله تحقیقی است درباره موضوع مهم مسأله «بداء» که شیعه آن را یکی از مسایل اعتقادی مهم اسلامی می‌داند و مخالفین در برابر این اعتقاد سلیم اتهامات زیادی را به شیعه روا داشته و مسأله بداء را مردود دانسته‌اند. لذا از مسایل مورد مناقشه بین فریقین قرار دارد که چکیده بحث در اینجا ذکر می‌گردد.
- ۱- بداء در لغت به معنای ظهور بعد از خفاء است و در اصطلاح: *التغییر المصیر للانسان بالاعمال الصالحة و الطالحة* می‌باشد.
 - در قرآن کریم آیاتی موجود است که به نحوی اشاره به این موضوع دارد.
 - ۲- بداء از موضوعات مورد انکار یهود است و با مزعمه خویش دست خداوند را پس از تغییر ابتدایی یک شیء بسته دانسته و گفته‌اند: *یدالله مغلولة*. و در جرب نازل شد که «غلت ایدیهم بل یداه مبسوطتان ینفق کیف یشاء...»
 - ۳- علی‌رغم اتهاماتی که بعضی از ائمه اهل سنت به شیعه نسبت داده‌اند، اعتقاد شیعه در این مورد سلیم و معقول بوده و به حیثی که بداء را از ناحیه خداوند «ابدء» و از ناحیه بشر «ظهور بعد از خفاء» می‌داند و نه انساب جهل به ذات سبحانه و تعالی
 - ۴- مثل بداء در تکوینیات، مثل نسخ است در تشریعیات، همچنان که آمد و اجل یک موضوع ذی حکم به سر آمده و موضوع، حکم دیگری به خود می‌گیرد و از آن تعبیر به نسخ در حکم تشریعی می‌کنند. آمد یک موضوع در تکوین مانند: رزق و روزی حیات و ممات بسر آمده، حکم دیگری به خود می‌گیرد و آن را بداء می‌گویند.
 - آیات و روایات بسیاری در مورد بداء موجود است که هر یک به نحوی مشعر به این موضوع است. «یمحو الله ما یشاء و یشئ و عنده ام الكتاب» از جمله آیاتی است که دال بر کتاب محو و اثبات و مشعر به معنای اجل غیر مسمی و مؤید آن است. جل غیر مسمی یا موقوف اجلی است که در آن بداء حاصل می‌شود و تقدیر یک شیء بر حسب اعمال صالح یا طالح فرد به اجل دیگری بدل می‌گردد.
 - ۵- آنچه برای انسان مقدر شده است در کتاب محو و اثبات ثبت است سپس این انسان است که با اعمال نیک و خصلت‌های پسندیده و رفتاری نیکو و تصدق در راه خدا، سایه شوم بلاهای غیر مترقبه یا مرگ فجعه را از خویش دفع می‌کند و بر آن سایه رحمت می‌انگازد و همه در ید با کفایت خداوند است همچنان که سایه عذاب بر سرای قوم یونس برافراشت، سپس با دعا و مناجات آنها، آن را رفع کرد.
 - ۶- بداء نقش مهم در تغییر سرنوشت انسان دارد.

۷- بداء منشأ قرآنی دارد و عدم درک صحیح از بداء از جانب اهل سنت باعث اتهامات آنها بر شیعه شده است.

۸- در منابع اهل سنت روایاتی در مورد بداء وجود دارد و ذکر لفظ بداء در صحیح بخاری آمده است.

۹- بداء تأثیر فراوانی در اخلاق و تربیت جامعه دارد.

خلاصه اینکه اعتقاد به بداء انسان را به اعمال صالحه ترغیب و تحریص می‌کند و از انجام اعمال زشت باز می‌دارد و در نتیجه باعث سعادت و خوشبختی انسان می‌گردد.

این پایان نامه در یک مقدمه و کلیات: شامل ۱۰ عنوان و ۹ فصل و یک خاتمه تنظیم گردیده است و امید است تحقیق در این بحث روزنه حقیقت را به روی پویندگان و پژوهشگران جق و راستی بگشاید. انشاءالله!

فهرست مطالب صفحه

مقدمه و کلیات بحث:

- ۱ مقدمه
- ۱- نگاه‌های به موضوع بده ۱
- ۲- جایگاه و اهمیت بحث بده ۲
- ۳- انگیزه انتخاب موضوع ۳
- ۴- سؤالات اصلی و فرعی ۳
- ۵- فرضیه‌های تحقیق ۴
- ۶- واژه‌های کلیدی بحث ۴
- ۷- تاریخچه و پیشینه ۵
- ۸- تبیین موضوع ۷
- ۹- روش تحقیق ۹
- ۱۰- محدودیت‌ها ۹

فصل اول:

- ۱۱- تعریف بده: ۱۱
- الف- معنی لغوی بده ۱۱
- ب- معنی اصطلاحی بده ۱۴

فصل دوم:

- ۱- علم خدا از دیدگاه قرآن و سنت: ۱۷
- الف- اقسام یا مراتب علم الهی ۱۷
- ب- علم الهی از منظر قرآن ۲۰
- ج- علم خدا در نگاه روایات ۲۳
- ۲- رابطه بده با علم ذاتی و فعلی خداوند ۲۶
- ۱- اقسام بده: ۲۶

فصل سوم:

- رابطه بده با برخی از مباحث کلامی ۲۹
- الف- بده و قضا و قدر الهی ۲۹
- ب- نسبت بده و نسخ ۳۲

فصل چهارم:

محدوده‌ی وقوع بداء.....	۳۶
مقدمه:.....	۳۶
الف- بداء و نشانه‌های ظهور:.....	۳۷
۱- لوح محفوظ:.....	۳۸
۲- لوح محو و اثبات.....	۳۸
ب- ارتباط بداء با ظهور حضرت مهدی (عج):.....	۳۹
۱- نشانه‌های مشروط ظهور.....	۳۹
۲- علائم ظهور و امور حتمی.....	۴۰
۳- بداء و قیام حضرت مهدی.....	۴۲
۴- تعیین زمان ظهور حضرت مهدی.....	۴۳
نتیجه:.....	۴۴

فصل پنجم:

اقوال موجود در مورد بداء:.....	۴۶
الف- بداء از نظر ادیان.....	۴۶
۱- بداء در تورات.....	۴۶
۲- عقیده‌ی یهود در مورد بداء از نظر قرآن.....	۴۸
۳- قول صدوق (ره) در رد نظریه‌ی یهود.....	۴۸
۴- گفتار آیت الله خوئی در جواب یهود.....	۴۸
ب- بداء از دیدگاه فرق اسلامی.....	۵۰
۱- نظریه‌ی معتزله.....	۵۰
۲- نظریه اشاعره.....	۵۱
پاسخ:.....	۵۳

فصل ششم:

بداء از دیدگاه امامیه:.....	۵۵
الف- مرور مجدد به تعریف و اقسام قضا و قدر و موارد جریان بداء.....	۵۵
۱- علم مکنون و یا اختصاصی خدا.....	۵۵
۲- قضای حتمی.....	۵۶
۳- قضای غیر حتمی.....	۵۷
ب- معنی بداء از نظر امامیه.....	۵۷

- ج- اقوال دانشمندان و متکلمان شیعی حول بداء..... ۶۳
- ۱- شیخ صدوق (۳۰۶-۳۸۱م)..... ۶۳
- ۲- شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳م)..... ۶۴
- ۳- سید مرتضی علم الهدی (ت ۳۵۵-۴۳۶م)..... ۶۵
- ۴- شیخ طوسی (ره) (۳۸۵-۴۶۰)..... ۶۶
- ۵- علامه مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ه)..... ۶۶
- ۶- میرداماد (۱۰۱۴م)..... ۶۷
- ۷- مرحوم فیض کاشانی (ره)..... ۶۷
- ۸- سید عبدالله شبّر (۱۲۴۱ه)..... ۶۸
- ۹- محقق هروی خراسانی (ت ۱۲۵۵-۱۳۲۹م)..... ۶۸
- ۱۰- امام شرف الدین (ت ۱۲۹۰-۱۳۷۷م)..... ۶۹
- ۱۱- کاشف الغطاء..... ۷۰
- ۱۲- محقق اصفهانی..... ۷۰
- ۱۳- علامه کبیر صاحب المیزان..... ۷۲
- ۱۴- استاد مکارم شیرازی..... ۷۲

فصل هفتم:

- بررسی بداء از منظر آیات و روایات:..... ۷۵
- الف- بداء از دیدگاه آیات..... ۷۵
- نتیجه:..... ۱۰۵
- ب- بداء از دیدگاه روایات:..... ۱۰۷
- ۱- راه معرفت حضرت حق و صفات قیوم مطلق..... ۱۰۷
- ۲- بداء در احادیث و روایات اهل سنت و اعتقاد خلیفه دوم و صحابه . به بداء و اینکه لفظ بداء نیز در منابع اهل سنت وجود دارد..... ۱۰۸
- ج- بداء از دیدگاه روایات اهل بیت علیهم السلام:..... ۱۱۳
- اهمیت و عظمت بداء..... ۱۱۳
- کلام صدر المتألهین در شرح حدیث عظمت بداء..... ۱۱۴
- وجه اعظم بودن بداء از جمیع عبادات در کلام عصار..... ۱۱۴
- بداء از علم الهی است..... ۱۱۷
- دعا قضا را بر می گرداند..... ۱۱۸

- ۱۲۰ تردد خدا در قبض روح مؤمن
- ۱۲۲ وقوع بداء بوسیله صدقه
- ۱۲۳ اثر صله رحم و قطع رحم در زیادی و کوتاهی عمر
- ۱۲۵ تأثیر استغفار در تغییر سرنوشت
- ۱۲۶ گناه و کوتاهی عمر
- ۱۲۷ زنا عامل کوتاهی عمر
- ۱۲۷ وقوع بداء در زیارت امام حسین (علیه السلام)
- ۱۲۸ ۱. ایام زیارت امام حسین (ع) جزء عمر حساب نمی شود.
- ۲. زیارت امام حسین (علیه السلام) عمر را طولانی و روزی را زیاد می کند. ۱۲۸
- ۳. زیارت امام حسین (علیه السلام) گناهان را محو می کند. ۱۲۹
- ۴. زیارت امام حسین (علیه السلام) غم و اندوه را برطرف می کند. ۱۲۹
- ۱۲۹ نتیجه:

فصل هشتم:

- ۱۳۱ بداء از دیدگاه عقل:
- ۱۳۱ دلایل عقلی بر اثبات بداء:
- ۱- خداوند علم محض است و کتاب محو و اثبات مخصوص اوست. ۱۳۱
- ۲- ایجاد پدیده‌ها و قوانین قدرت مطلقه خدا را محدود نمی کند. ۱۳۲
- ۳- سباطت و گسترش با سیستماتیک بودن جهان تضاد ندارد. ۱۳۳
- ۴- جریان حوادث، تغییر در علم ذاتی خداوند ایجاد نمی کند. ۱۳۴
- ۵- اثر دعا و نیایش با هماهنگی جهان هستی منافات ندارد. ۱۳۵
- ۱۳۷ فلسفه بداء

فصل نهم:

- ۱۳۹ فوائد و آثار تربیتی بداء و نقل برخی از اخبار بدائی:
- الف- فوائد و آثار تربیتی بداء: ۱۳۹
- ۱- جهان آفرینش وابسته به قدرت خداوند است. ۱۳۹
- ۲- تفاوت علم مخلوق و علم خالق با بداء روشن می گردد. ۱۳۹
- ۳- اعتقاد به بداء باعث می شود که انسان فقط به خدا توجه و به سوی او تضرع کند. ۱۴۰
- ۴- اعتقاد به بداء رد منطق یهود است. ۱۴۱

- ۵- بداء باعث ایجاد حالت خوف و رجاء بر انسان می‌شود. ۱۴۲
- ۶- دخالت انسان در سرنوشت خویش ۱۴۳
- ۷- قابلیت نفسانی، شرط هدایت الهی ۱۴۴
- ۸- اعتقاد به بداء، انسان را به اعمال حسنه، حریص و از افعال زشت باز می‌دارد ۱۴۵
- ب- نقل نمونه‌هایی از اخبار بدائی در قرآن و روایات ۱۴۷
- ۱- داستان حضرت یونس (ع) ۱۴۷
- ۲- داستان حضرت ابراهیم (ع) ۱۴۸
- ۳- سرگذشت حضرت موسی (ع) ۱۴۸
- ۴- صدقه از هلاک شدن جلوگیری می‌کند ۱۴۹
- ۵- توبه و بازگشت به سوی خدا (ابورومی) را نجات می‌دهد ۱۴۹
- ۶- احسان و نیکی به ایتم شخصی مجوسی را بهشتی می‌کند ۱۴۹
- ۷- داستانی در قطع رحم ۱۵۱
- ۸- بازدن مادر آخرت را آتش زد ۱۵۲
- ۹- چگونگی نجات جوانی از مرگ ۱۵۳
- ۱۰- صدقه و نجات عروسی از مرگ ۱۵۴
- ۱۱- انفاق و تغییر سرنوشت ۱۵۵
- نتیجه: ۱۵۶
- خاتمه بحث: ۱۵۷
- ۱- نزاع در بداء لفظی است ۱۵۷
- ۲- وحدت اسلامی رمز موفقیت مسلمین ۱۵۸
- فهرست منابع ۱۶۱

مقدمه و کلیات بحث:

مقدمه:

۱- نگاهی به موضوع بداء:

مسئله بداء از جهات متعددی مورد توجه بوده و دارای اهمیت است:

۱- بداء از موضوعاتی است که در قرآن و روایات و کلام اسلامی بخصوص کلام شیعی مورد توجه زیاد بوده و در زمره صفات فعلی پروردگار به شمار می‌رود. با توجه به اهمیت بحث از صفات فعلی پروردگار و صفات الهی می‌توان اهمیت بحث بداء را نیز دریافت.

۲- بداء یکی از موضوعات مورد اختلاف میان شیعه و اهل سنت است. شیعه به مقتضای برخی از روایات آن را مکمل ایمان می‌داند و اهل سنت آن را خلاف اعتقادات اسلامی و حتی نافی علم الهی می‌شمارند. بنابراین دفاع از عقاید شیعه و تبیین صحیح مسئله ضرورت پرداخت به موضوع بداء را بیش از پیش روشن می‌سازد.

۳- اعتقاد به بداء آثار روحی، روانی و تربیتی مهمی در زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد و میتوان گفت انکار این موضوع مهم، موجب محرومیت از آثار مثبت زندگی شده و احیاناً سبب بروز آثار منفی در حیات آدمیان خواهد بود. تبیین صحیح و دفاع عقلانی از این عقیده، آثار مثبت مذکور را به ارمغان می‌آورد.

در این باره می‌توان ریشه‌های بحث بداء را در قرآن کریم و احادیث نبوی و سپس در اخبار و روایات ائمه علیهم السلام جستجو نمود و بدان دست یافت. آیات و روایات متعددی دلالت بر بداء دارد اما با این حال عده‌ای آن را مخالف قرآن و سنت دانسته و علم و قدرت الهی را مخالف بداء حساب کرده‌اند اینها با توسل به دلایل سست و یا کم دقتی در معارف دین و عدم توجه دقیق و صحیح به آنچه شیعه می‌گوید عقاید شیعه را مورد حمله قرار داده و آن را هتک نموده‌اند و این اعتقاد را دستمایه تشیع شیعه قرار داده‌اند.

در قبال این موضع، متکلمین شیعه نیز از اعصار اولیه تا عصر حاضر به تبیین و تثبیت

این مسئله پرداخته و پس از تشریح صحیح آن به اشکالات مخالفین نیز پاسخ داده‌اند.

کوتاه سخن آن که قدمت این بحث را می توان به قدمت اولین مباحث کلامی دانست که در عصر صادقین علیهما السلام شکوفایی بیشتری یافت و مورد ارزیابی قرار گرفت.

۲- جایگاه و اهمیت بحث بداء

بداء نزد شیعه، جایگاهی عظیم و بس بلندی دارد. شیعه عقیده به بداء را بطور قطع از ائمه و سنت پیامبر و قرآن آموخته است اینک به عنوان نمونه به چند متن روایی از ائمه در این زمینه می پردازیم:

الف) مرحوم کلینی (ره) با سلسله اسنادی چند از زراره از یکی از صادقین نقل می کند که فرموده است:

ما عبدالله عزوجل بشيء مثل البداء.^۱

یعنی: خداوند به چیزی مثل بداء پرستیده نشده است.

ب) از هشام بن سالم از امام صادق علیه اسلام نقل شده که فرمود:

ما عظم الله عزوجل بمثل البداء.^۲

یعنی: خداوند به چیزی عظیم تر از بداء تکریم و تعظیم نشده است.

ج) امام رضا علیه السلام به ریاض بن صلت فرمود:

ما بعث الله نبياً قط الا بتحريم الخمر و ان يقر له بالبداء.^۳

یعنی: خداوند هیچ پیغمبری را مبعوث نکرد الا آن که از او دو میثاق گرفت: یکی حرمت

خمر و دیگری اقرار به بداء برای او.

با ذکر چند نمونه از این روایات تا حدی با اهمیت بداء آشنا شدیم.

در مباحثی که در آینده مطرح می شود، خصوصاً در مورد آیات و روایات نازل در مورد بداء،

به نحو چشمگیری از اهمیت این موضوع آگاه می شویم.

۱ - الکلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، باب البداء/ ۱۴۶، حدیث ۱، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۵ هـ - ۱۹۸۵ م.

۲ - العالمة المجلسی، محمد باقر، بحار الانوار ج ۴، باب البداء/ ص ۱۰۷ حدیث ۲۰، دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۹۸۳ م.

۳ - کافی جلد ۱ باب البداء/ حدیث ۶، بحار الانوار ج ۴/ ۱۰۸ حدیث ۲۵

۳- انگیزه انتخاب موضوع

گاه یک حادثه کوچک یا واقعه‌ای گذرا که بسیاری از کنار آن می‌گذرند توجه شخص دیگری را به خود جلب می‌کند و موضوع بدها نیز از جمله موضوعاتی است که ذهن مرا در طول سالیان تحقیق و تعمق در مسائل کلامی به خود مشغول کرده و همواره بدان می‌اندیشیدم و نیز به طور جسته و گریخته به تحقیقات سایر متفکرین و اندیشمندان در این زمینه توجه می‌کردم. گاه خواندن بعضی از حکایات موجی از شگفتی را در من ایجاد می‌کرد. مثلاً سرنوشت فضیل عیاض یا تغییر روند زندگی افراد و انسان‌ها مرا بر آن می‌داشت که بپرسم چه اسراری در خلقت موجود است که گاه بعضی از حالی کاملاً به حال دیگر بدل می‌شوند و شکل زندگی‌شان تغییر اساسی می‌یابد. اساساً چرا عده‌ای ثقی و عده‌ای سعید می‌گردند، در تحول هر یک از آن دو به دیگری چه اموری نقش دارد.

از ویژگی‌های این بحث قرین بودن بحث آن با بحث قضا و قدر است که، خود دلیل بارزی است به پیچیده بودن این بحث، چه آن که خود بحث قضا و قدر از مشکل‌ترین و فنی‌ترین بحث‌های کلامی است، بحری است لایتناهی که عده‌ای عظیم در آن گمراه شدند. امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در کلامی می‌فرمایند: در بحث قضا و قدر فرو نروید که به گمراهی می‌افتید.^۱

لذا انگیزه‌ای برایم ایجاد گردید تا موضوع بدها را انتخاب کنم، تا حدّ ممکن حقایق روشن گردد.

۴- سؤالات اصلی و فرعی

الف) سؤالیهای اصلی مسأله:

- س ۱- رابطه بدها با علم الهی چیست؟
 - س ۲- آیا بدها از نظر عقل قابل اثبات می‌باشد؟
 - س ۳- آیا ادله نقلی مسأله بدها را اثبات می‌کند؟
 - س ۴- آیا پذیرش «بدها» مستلزم نسبت جهل به خداست؟
- در طول تحقیق باید سعی شود به سؤالیهای طرح شده پاسخ صحیح و منطقی داده شود.

۱ - الدشتی، محمد، نهج البلاغه الامام علی (ع)، (صبحی) حکم: ۲۸۷، مؤسسه امیرالمؤمنین، قم،

ب) سؤالیهای فرعی مسأله:

- ۱- فرق بقاء با نسخ در چیست؟
- ۲- رابطه بقاء با قضای حتمی چیست؟
- ۳- آیا اعتقاد به بقاء باعث تغییر و تبدیل در علم و اراده خداوند می‌گردد؟
- ۴- چه قرائن و شواهدی در مورد اعتقاد به بقاء در آثار اهل سنت وجود دارد؟

۵- فرضیه‌های تحقیق:

- ۱- بقاء یکی از عقاید مقبول نزد امامیه می‌باشد و از نظر عقل و نقل دلائل محکمی برای آن وجود دارد و به هیچ وجه منافاتی با صفات (علم و قدرت) خداوند ندارد و روایات زیادی بر درستی مسأله بقاء دلالت دارد.
- ۲- اگر انسان رویه و روش خود را تغییر دهد، خداوند نیز مقدرات خود را درباره او تغییر می‌دهد.
- ۳- خداوند در فعل خود واحد است، بنابراین توحید افعالی منافاتی با بقاء و محو و اثبات ندارد.
- ۴- انسان در افعال خود مختار است و تغییر در سرنوشت بوسیله بقاء با اختیار منافات نداشته و موجب جبر نمی‌گردد.

۶- واژه‌های کلیدی بحث

- ۱- واژه‌ی «بقاء» از اصطلاحات الهیات و کلام شیعی است که در توجیه احاطه‌ی علمی عالم لا یتغیر ربوبی بر عوالم متغیر طبیعت، انسان، جامعه و تاریخ مطرح شده است. ریشه‌های تاریخی «بقاء» به بحث از علم ذاتی و علم فعلی خداوند بر می‌گردد و همچنین آیاتی از قرآن در زمینه‌ی علم و آگاهی خداوند نسبت به ماسوا و قدرت و توانایی همیشگی او در تصرف جهان طبیعی پرشش‌هایی را پیرامون بقاء و تغییر در علم الهی پیش می‌آورد در قرآن کریم آیات زیادی در این زمینه وجود دارد که برخی از آیات عبارت‌اند از: (انعام/۲؛ فاطر/۱۱؛ رعد/۴۰؛ زخرف/۴؛ نمل/۷۵؛ یونس/۶۱؛ حدید/۲۲؛ مائده/۶۴)
- ۲- واژه‌های علم و قدرت خداوند که نامحدود و لایتناهی می‌باشند، از واژه‌های محوری در بحث «بقاء» هستند که در جای خود بررسی خواهند شد. البته واژه‌های مختلفی در قرآن و سنت بیان گردیده که به خوبی مسأله‌ی «بقاء» را روشن و اثبات می‌کند، مانند واژه‌های:

۱- بداء، ۲- علم خدا، ۳- قدرت خدا، ۴- محو و اثبات، ۵- لوح محفوظ یا ام الکتاب،
۶- نسخ، ۷- تغییر روش، ۸- قضا و قدر و...

برای هر یک از واژه‌های مذکور و واژه‌های دیگری که نیز وجود دارد در بحث مسأله بداء کاربرد مهمی دارد که به عنوان واژه‌های کلیدی از آنها می‌توان نام برد که توضیح آنها به جای خود در فصل‌های بعدی مفصلاً می‌آید.

شواهدی نیز در آیات و روایات برای روشن شدن واژه‌های فوق وجود دارد که اهمیت و کلیدی بودن این واژه‌ها را در مورد بحث بداء ابراز می‌دارد.

۷- تاریخچه و پیشینه

مسأله «بداء» یکی از سنن و قوانین الهی است و در تمام ادیان الهی مورد اعتقاد انبیاء عظام بوده و در اسلام نیز از مسائل مهم اعتقادی مسلمانان قرار دارد.

در سیر تاریخی بحث به این نتیجه می‌رسیم که اعتقاد به «بداء» اختصاص به شیعه ندارد، بلکه معتقد شرایع قبل از اسلام نیز بوده است، منتهی شیعه با الهام گرفتن از کتاب و سنت می‌خواهد معنای صحیح آن را ارائه دهد.

اعتقاد به «بداء» به مفهوم درست آن که شیعه می‌گوید، یکی از افتخارات شیعه و نشانی از توحید خالص و تنزیه پروردگار از هر عیب و نقص است.

طبق این عقیده خداوند قدرت مطلقه دارد و مقدرات، قدرت او را محدود نمی‌کند. و «بداء» در تکوین مانند نسخ در احکام است و این عقیده دقیقاً در برابر عقیده باطل یهود است که قدرت خدا را محدود می‌کردند و آنان بودند که «بداء» به معنای نادرست آن را به خدا نسبت می‌دادند و می‌گفتند خدا در آفرینش انسان پشیمان شد.

بنابراین مسأله «بداء» تنها در فرهنگ شیعه نیست، بلکه در ادیان و شرایع گذشته نیز از آن یاد شده است و مورد بحث قرار گرفته، همان گونه که در تورات تحریف شده، آمده است و یهود معنای غلطی از آن برداشت نموده و در قدرت خداوند محدودیت قائل شده که شیعه اثنی عشری از این عقیده باطل بیزار است و بر خداوند بزرگ پناه می‌برد.

همانطور که در کتاب و سنت، قصه‌ها و داستان‌هایی دیده می‌شود شیعه امامیه اینها را از طریق مسأله بداء تبیین و روشن فرموده که اگر برادران اهل سنت این را قبول نداشته باشند باید از طریق دیگری این مسئله را حل کنند و به مسلمین اعلام کنند.

ما در بخشهای بعدی این داستانها و قصه‌ها را بررسی خواهیم کرد که به معنی بداء آمده‌اند. علما و دانشمندان و محققان زیادی نیز در طول تاریخ یا در دفاع از موضوع «بداء» و یا بر رد آن تحقیق و تفحص کرده‌اند، که بعضی از آنها که در تأیید از «بداء» پرداخته‌اند، عبارتند از:

- ۱- شیخ صدوق رحمه الله علیه در رساله اعتقادات اجمالاً و در کتاب توحید تفصیلاً تحقیق کرده است.

- ۲- شیخ مفید رضوان الله علیه در رساله اعتقادات و کتاب اوائل المقالات.

- ۳- شیخ طوسی (قدس سره) در کتاب غیبت.

- ۴- میرداماد (ره) در کتاب نبراس.

- ۵- علامه مجلسی (نورا ... مضجعه الشریف) در بحار الانوار

- ۶- کاشف الغطاء (رضوان الله علیه) در کتاب الدین و الاسلام.

اما بعضی از علما مخالف از اهل سنت نیز در رد موضوع «بداء» تحقیق و اظهار نظر کرده‌اند

که به عنوان نمونه بعضی از آنها عبارتند از:

- ۱- فخر رازی در خاتمه کتاب محصل و تفسیر کبیر.

- ۲- محمد بن عبدالکریم الشهرستانی در کتاب ملل و نحل.

- ۳- امام غزالی در کتاب احیاء العلوم.

- ۴- اشعری در مقالات الاسلامیین.

- ۵- ابوالحسین خیاط در الانتصار.

و همچنین در کتاب‌های معتبر اهل سنت مثل صحاح سته و ... در رد موضوع «بداء» تحقیقاتی نموده‌اند گرچه اهل تسنن بدا را مردود دانسته‌اند اما در صحیح بخاری روایاتی از رسول‌خدا نقل کرده‌اند که در آن واژه بدا استعمال شده است و شارحین اهل تسنن بناچار آن را تأویل کرده‌اند.

«اما از اوایل قرن دوم هجری بحث «بداء» بیش‌تر مورد توجه قرار گرفت. چون دو عقیده منحرف: (جبریه) و (قدریه) توسط دولت‌های مستبد تأیید و ترویج می‌شدند، و این مطلب باطل را معتقد بودند که: سرنوشت انسان از دوران جنینیت و در شکم مادر مقدر می‌شود، یعنی بهشتی بودن و جهنمی بودن او از همان هنگام مقدر می‌شود این که انسان اصلاً مجبور است و در تغییر سرنوشت خویش هیچ‌کاری نمی‌تواند کند (جبریه).

از طرفی گروهی به نام (قدریه) ترویج می‌شدند و توسط دولت‌های طاغوت تأیید

می‌گردید و حتی برای تأیید آن احادیثی ساخته شد.

لذا امامان معصوم علیهم السلام خصوصاً امام باقر و امام صادق علیهما السلام در برابر این

عقیده فاسد (جبریه و قدریه) که از طرفی انسان‌ها را از حرکت و فعالیت برای اصلاح امر دنیا و

آخرت خود متوقف و مأیوس می‌کرد، و از طرفی به نفع حکومت‌های جابر و جائر بود، اعتقاد به «بداء» را با تفسیر صحیح بیان و مطرح ساخته و با تأکیدات فراوان آن را متوجه مردم نمودند و توانستند عقیده بر مجبور بودن انسان‌ها را باطل و خنثی سازند و از طرفی نقشه حکومت‌های جابر و فاسق را برای تخدیر و ساکت کردن مردم نقش بر آب کنند.

در زمان امام باقر و امام صادق علیهما السلام مسأله «بداء» در اوج خود رسید و یکی از مسائل مهم اعتقادی پیروان اهل بیت علیهم السلام قرار گرفت. بنابراین به لحاظ تاریخی این بحث، ارتباط تنگاتنگی با بحث قضا و قدر، جبر و اختیار، و علم ذاتی و علم فعلی خداوند دارد بنابراین در واقع تاریخچه این بحث به بحث از مسائل یاد شده برمی‌گردد که هر کدام از فرق و مذاهب بر اساس برداشت خود از مسائل یاد شده به قبول و یا ردّ بدا اقدام نموده‌اند.

۸- تبیین موضوع

چنانکه گفته شد بدا از مسائل حساس و مهمی است که نزد متکلمین اسلامی، جایگاه ویژه‌ای دارد و ذهن عامه متفکرین را به خویش مشغول کرده است. بعضی آن را یک حقیقت مسلم دینی می‌دانند که وقوعش در زندگی آدمی بسیار است و بعضی آن را مهذب ارکان دین و مصلح عقائد دینی می‌پندارند.

نظریه بداء و آرای ضد و نقیض حول آن از قدیمی‌ترین نظریات مختلف فیه بین متکلمین شیعه و سنی است، در ضمن تحلیل این موضوع در می‌یابیم که بر سر مسئله بداء چه نقاش‌ها و جدال‌های لفظی که بین دو طائفه اسلامی صورت نگرفته و چه اتهاماتی که از طائفه به ظاهر متسنن به ائمه شیعه نسبت داده نشده و لذا با تعمقی در کتب فلسفی و کلامی، می‌یابیم که آنان در این موضوع، بحوث مفصلی را مطرح نموده و مطالبی را در نقد نظریات مخالف و اثبات عقاید خویش به شکل مبسوط بیان کرده‌اند، مطالبی که بسیاری از آنها سند متقنی نداشته و موهوماتی بیش نیست.

برای دستیابی به مدارک این بحث کلامی، کافی است به کتاب الذریعه آغا بزرگ طهرانی رجوع کرد ایشان در این کتاب در ضمن بیان بیست و پنج اثر از مؤلفین اسلامی به بیان بعضی از آراء مختلف در این زمینه پرداخته است.^۱

۱ - آغاز بزرگ الطهرانی، الذریعه، ج ۳/۵۱-۵۷، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸هـ

دشواری و سختی این بحث به حدی است که شخص محقق با بذل و وسع بسیار می‌تواند تا حدی به فهم این موضوع دسترسی پیدا کند و این مهم، عمیق‌تر از آن است که هر مدعی سخنگو ادعای فهم آن را کند.

لذا اهمیت این موضوع به نحوی است که حتی بزرگانی از اهل سنت چون فخر رازی، اشعری، شهرستانی و امام الحرمین جوینی نتوانسته‌اند تحلیل صحیحی از این موضوع داشته باشند، لذا افترااتی را به شیعه نسبت می‌دهند که پایه و اساس درستی ندارند و حریم شیعه، پاک‌تر از این معانی است.

مسئله بداء ارتباط تنگاتنگی با سایر مباحث کلامی از قبیل قضا و قدر، علم الهی و... دارد و موضوعات دیگر را هم تحت تأثیر قرار داده و یا از آنها متأثر شده است.

ما با تمسک به قرآن کریم که می‌فرماید: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» اعتقاد به بداء را یکی از اساسی‌ترین پایه‌های فکری و جهان‌بینی در اسلام می‌دانیم.

و این اصل قرآنی که یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اجتماعی اسلام را بیان می‌کند به ما می‌گوید هرگونه تغییرات برون‌ی متکی به تغییرات درونی ملت‌ها و اقوام است و هرگونه پیروزی و شکستی که به قومی رسید از همین جا سرچشمه می‌گیرد.

بنابراین آن‌ها که همیشه برای تیرئیدی خویش تنها به دنبال «عوامل برون‌ی» می‌گردند و قدرت‌های سلطه‌گر و استعمارکننده را همواره عامل بدبختی خود می‌شمارند، سخت در اشتباهند، چرا که اگر این قدرت‌های جهنمی پایگاهی در درون یک جامعه نداشته باشند، کاری از آنان ساخته نیست. پس مهم این است که پایگاه‌های سلطه‌گران و استعمارکنندگان و جباران و شیاطین را در درون جامعه‌ی خود درهم بکوبیم، تا آن‌ها هیچ‌گونه راهی برای نفوذ نداشته باشند.

این اصل قرآنی می‌گوید: برای پایان دادن به بدبختی‌ها و ناکامی‌ها باید دست به انقلاب از درون بزنیم، یک انقلاب فکری و فرهنگی، یک انقلاب ایمانی و اخلاقی، به هنگام گرفتاری در چنگال بدبختی‌ها باید فوراً به جست و جوی نقطه‌های ضعف خویشتن پردازیم، و آن‌ها را با آب توبه و بازگشت به سوی حق از دامان روح و جان خود بشوییم، توگد تازه پیدا کنیم و نور و حرکت جدید، تا در پرتو آن بتوانیم ناکامی‌ها و شکست‌ها را به پیروزی مبدل سازیم.^۱

خلاصه با تغییر و دگرگونی در رفتار و روش خود می‌توانیم سرنوشت خویش را تغییر دهیم و اعتقاد شیعه به بداء نیز همین است که اگر انسان رویه و روش زندگی خود را تغییر بدهد، خداوند متعال نیز مقدرات خود را درباره‌ی او تغییر می‌دهد و مقدرات دیگری برای او مقدر

۱- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب اسلامیة، تهران ۱۳۷۴/ج ۱۰/۱۴۶